

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: تفسیر سوره بقره
موضوع جزئی: آیه بیست و چهارم_ بررسی یک روایت_ وجود جهنم
تاریخ: ۹ اردیبهشت ۱۳۹۷
مصادف با: ۱۲ شعبان ۱۴۳۹
جلسه: ۵۴
_ بررسی اختصاص جهنم به کافران

﴿اللهم رب العالمین وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین واللعن علی اعدائهم اجمعین﴾

بررسی یک روایت

عرض کردیم در مورد آیه بیست و چهارم سوره بقره نسبت به این بخش یعنی، «فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ»، ناس هم می‌تواند وقود باشد و هم حطب باشد یعنی هم چیزی که به سبب آن آتش روشن می‌شود و هم چیزی که خودش مثل هیزم مایه استمرار آتش است و آتش می‌گیرد، اما در مقابل، یک روایتی از امام عسکری (ع) وارد شده است که ظهور در این دارد که منظور از ناس فقط حطب است: «عن العسکری (علیه السلام): (فاتقوا النار التي وقودها الناس): ای حطبها»^۱. به نظر برخی این ظهور در حصر دارد یعنی کأن ناس فقط می‌توانند حطب و هیزم آتش باشند، اما وقود به معنای چیزی که مثل سنگ کبریت موجب آتش زدن شیئی دیگر شود، از این روایت بدست نمی‌آید، به عبارت دیگر به حسب ظاهر این روایت با آنچه گفته شد منافات دارد.

چون قبلاً گفتیم انسان هم می‌تواند آتش‌زنه باشد و هم آتش‌گیره. ولی به نظر ما این چنین نیست، چون درست است که ناس در این روایت امام عسکری به حطب معنا شده است ولی ظهور در حصر ندارد، این می‌تواند یک معنا و یک احتمال در مورد معنای ناس باشد همانطور که ما گفتیم وقود هر دو معنا در آن محتمل است و ذکر این معنا به معنای نفی احتمال دیگر نیست.

وجود جهنم

در پایان آیه بیست و چهارم آمده است «أُعدَّتْ لِلْكَافِرِينَ» یعنی آتشی که برای کافرین مهیا شده است، ظاهر این آیه این است که جهنم الآن موجود است و این از ماده و هیئت أعدت فهمیده می‌شود از نظر ماده، ماده اعداد ظهور در وجود نار دارد، وقتی می‌گوید فلان چیز معد برای فلان کار است، یعنی آماده است و ایجاد شده است و مهیا شده است، هیئت آن هم فعل ماضی است و ماضی ظهور در زمان گذشته دارد. ما نظیر همین تعبیر را هم در مورد بهشت داریم، «أُعدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ»^۲، جنت برای متقین آماده و مهیا شده است، اینجا هم می‌فرماید نار و آتش برای کافران مهیا شده است، ظهور این آیه مخصوصاً با ملاحظه صیغه و هیئت اعداد و ماده اعداد در وجود جهنم است.

این مؤید به برخی از آیات قرآنی هم می‌باشد، آیه «وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ»^۳ ظهور در این دارد که الان جهنم موجود است، چون بحث از احاطه جهنم به کفار است، این احاطه نمی‌تواند از ناحیه موجودی باشد که الان موجود نیست، بحث

۱. بحار، ج ۹، ص ۷۶.

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۳۳.

۳. سوره توبه، آیه ۴۹.

احاطه جهنم نسبت به کفار مربوط به همین دنیا است، یعنی همین الان جهنم احاطه به کافرین دارد، این نمی‌شود جز اینکه جهنم الان موجود باشد، چیزی که موجود نباشد نمی‌تواند بر شیئی دیگر احاطه داشته باشد.

در روایات هم این معنا تایید شده است، یعنی وجود جهنم در حال حاضر، روایتی از امام رضا(ع) وارد شده است که امام (ع) می‌فرماید: اگر کسی بگوید بهشت و جهنم الان مخلوق نیست از ما نیست^۱، (یعنی نفی مخلوق بودن جهنم در زمان حاضر، یعنی همزمان با این دنیا مساوی با نفی عقاید و معارف اهل بیت است)، آنوقت امام رضا (ع) در ادامه به این آیه استشهاد می‌کند «يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آن»^۲ جهنمیان بین جهنم و آن چشمه داغ و گداخته در رفت و آمده هستند. برای مخلوق بودن جهنم الان، استشهاد به این آیه کرده اند.

لذا مجموعاً هم به جهت قرائن داخلی همین آیه و هم به جهت قرائن خارجی از آیات دیگر و روایات، می‌توانیم بگوییم جهنم الان موجود است و مهیا شده و آماده شده است نه اینکه خداوند متعال بعداً به تناسب اعمال مردم و کفار جهنم را خلق می‌کند، جهنم الان موجود است، لذا اینکه برخی می‌گویند این آیه را باید تاویل کنیم، یا می‌گویند این به اعتبار اینکه مستقبل محقق الوقوع است، حمل کنیم بر مثل «إذا وقعت الواقعة» و از قبیل آن بدانیم، ضرورتی ندارد. ما در آنجا یقین داریم که قیامت هنوز نیامده، لذا وقعت را به عنوان اینکه یک مستقبل محقق الوقوع است می‌گوییم در قالب صیغه ماضی آمده است، ولی ما در اینجا ضرورتی برای حمل بر این معنا نداریم، این با فعل ماضی آمده است. به علاوه ماده و هیئت اعداد هم حکایت از خلق جهنم می‌کند و اینکه این جهنم مهیا و آماده شده است برای کفار.

بررسی اختصاص جهنم به کافرین

نکته دیگری که در خصوص این بخش از آیه باید مورد توجه قرار بگیرد، «للكافرين» است، در مورد این بخش و اینکه آیا از آیه اختصاص فهمیده می‌شود یعنی این آیه ظهور در این دارد که جهنم فقط برای کفار خلق شده یا شامل غیر کفار هم می‌شود، مخصوصاً با توجه به اینکه در آیات قبل خداوند متعال مردم را بر سه قسم کرد، فرمود: مردم یا کافر هستند یا منافق هستند یا مؤمن، ویژگی‌های این سه قسم را هم در آیات قبل بیان کرد، اما به اینجا که رسیده می‌فرماید «اعدت للكافرين» جهنم و آتشی را که هیزم آن و آتش‌زنه‌اش مردم و بت‌هایی هستند که می‌پرستند، این برای کفار آماده شده است.

اینکه این جهنم مربوط به کفار است این کاملاً روشن است، که اصل اعداد جهنم اگر قرار باشد برای یک صنف از مردم باشد، آنها حتماً کافران هستند، شمول این آیه نسب به منافقین هم جای بحث ندارد و روشن است چون منافقین هم فی الواقع کافر هستند فقط به زبان و ظاهر اظهار اسلام می‌کنند اما در واقع کافر هستند، پس عنوان «للكافرين» می‌تواند هم شامل خود کفار، (آن‌هایی که هم ظاهراً و هم باطناً کافر هستند) شود و هم شامل آنهایی که ظاهراً مسلمان هستند و باطناً کافر هستند، چه اینکه در قرآن می‌فرماید «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا

۱. بحار، ج ۸، ص ۱۱۹.

۲. سوره الرحمن، آیه ۴.

يَكْذِبُونَ»^۱، که قبلاً هم در مورد آن توضیح دادیم، در برخی از آیات قرآن هم این دو عنوان با هم ذکر شده است، «إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا»^۲، یا حتی در برخی آیات وضع و جایگاه منافقین را سختر از کفار تصویر کرده است، «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا»^۳.

پس در مورد شمول «اعدت للکافرین» نسبت به کفار و منافقین بحثی نیست، آنچه منشاء سوال و بحث و شبهه و اشکال است این است که آیا مؤمن فاسق هم مشمول این آیه می‌باشد یا خیر، ظاهر این آیه، بنابر این که لام را لام اختصاص بگیریم، این است که جهنم مختص به کافرین است، فوqش این است که ما منافقین را ملحق به کفار کنیم ولی در هر صورت ظاهراً شامل مؤمن فاسق نمی‌شود، بالاخره این آیه در بر گیرنده مؤمن فاسق است یا خیر، آیا جهنم فقط برای کفار خلق شده است، اگر جهنم برای کفار خلق شده است، پس مؤمن فاسق نباید وارد جهنم شود در حالی که ما میدانیم اینگونه نیست، قطعاً مسلمانان، مؤمنین هم به خاطر معاصی و نافرمانی از دستورات خداوند و کبائری که مرتکب می‌شوند در جهنم خواهند بود فی الجمله، حال از نظر مراتب با کفار متفاوت هستند، کفار خلود در نار دارند یا در آن طبقات پایین و آخر جهنم هستند اما مؤمن اگر فاسق باشد خلود ندارد و در عین حال در مراتب بالاتر جهنم است، حال این که این مراتب چه تفاوت‌هایی دارد در جای خود باید بحث شود.

سه احتمال در مورد شمول آیه نسبت به فاسق

به هر حال در مورد چگونگی شمول این آیه و این بخش از آیه نسبت به مؤمن فاسق، سه احتمال و سه نظر وجود دارد:

احتمال اول

یک احتمال این است که منظور از کافر کفر به معنای عام است، یعنی کافر به معنای عام که هم شامل کفر اعتقادی می‌شود و هم شامل کفر عملی، «اعدت للکافرین» یعنی جهنمی که مهیا شده است برای کافران اعتقادی یعنی کسانی که به مبداء و توحید و معاد عقیده ندارند و نیز کسانی که کفر عملی دارند یعنی عملاً انکار می‌کنند و عملاً از دستور خدا سرپیچی می‌کنند و با خدا مخالفت می‌کنند، جحد عملی دارند، کسی که نافرمانی خدا می‌کند، یعنی دستورات خدا را ترک می‌کند نوعی کفر است، چنانچه در برخی از آیات قرآن از ترک برخی از واجبات به عنوان کفر یاد کرده است، مثل آیه «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتِطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ»^۴ در این آیه از ترک حج تعبیر به کفر شده است، ما در روایات هم این کفر را داریم، کسی که عمداً یک عمل واجبی را ترک کند این کافر محسوب می‌شود چنانچه در مورد تارک صلاة می‌فرمایند، آنجا بحث است که این کفر، کفر در مقابل اسلام و ایمان نیست بلکه کفر عملی است نه کفر اعتقادی.

۱. سوره بقره، آیه ۱۰.

۲. سوره نساء، آیه ۱۴۰.

۳. سوره نساء، آیه ۱۴۵.

۴. سوره آل عمران، آیه ۹۷.

طبق این احتمال دیگر اختصاص به کافر اعتقادی معنا ندارد، یعنی آیه می‌گوید جهنم فقط برای کافران آماده شده است و این همه اقسام کافر را در بر می‌گیرد، چه کافر اعتقادی و چه کافر عملی، غیر از اینها کسی دیگر جهنمی نیست، لذا جهنم برای غیر اینها خلق نشده است. اگر لام را در اینجا لام اختصاص بگیریم، این اختصاص در واقع در مقابل مؤمنین است، آنهایی که مؤمن هستند و دارای عمل صالح هستند، جهنم برای این دسته از انسانها خلق شده است نه برای انسانهای صالح که عمل صالح دارند.

این احتمال ضعیفی است، برای اینکه سیاق این آیه و آیات قبل و مقامی که این آیه در آن قرار دارد مربوط به کسانی است که تکذیب خدا و رسول می‌کنند کسانی که مکذب وحی هستند، درست است که از نظر لفظی «للكافرين» می‌تواند شامل «لکل من کفر» باشد، «ال» جنس باشد و شامل همه کفار شود حتی آنهایی که کفر عملی دارند، اما آیه با این عبارت شروع می‌شود «فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا»، چه کسانی اگر انجام ندهند که هرگز نمی‌توانند؟ کفاری که منکر قرآن هستند، چون قبل آن فرمود، «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ» معلوم است مؤمن هیچگاه نسبت به آنچه که خداوند بر بنده‌اش لازم کرده است شک و تردید ندارد.

لذا مقام این آیه و سیاق مجموع چند آیه اخیر، ایا از حمل بر این احتمال دارد.

احتمال دوم

احتمال دوم اینکه این آیه ظهور در اختصاص به کافران دارد، یعنی می‌خواهد بفرماید این آتش مهیا شده است و اعداد گردیده برای کافران، منتهی گاهی از اوقات در قرآن خداوند تبارک و تعالی مؤمنان را هم از این آتش میترساند، یعنی کآن دو نگاه و دو موضع در مورد آتش و جهنم وجود دارد، یکی موضع وعید و عذاب جهنم برای کافران و اینکه آتش برای کافران مهیا شده است، طبع عمل و فکر و عقیده کفار اقتضاء می‌کند که آتشی برای کفار فراهم شده باشد، اما در عین حال مؤمنین فاسق را هم با همین آتش میترسانند، اعداد برای کفار است، تخویف برای مؤمن فاسق، این دو با هم منافات ندارند. اینجا در مقام بیان عذاب برای کفار است، وقتی سخن از اعداد آتش برای کافر می‌شود این به تمام معنا درست است ولی این دلیل بر این نمی‌شود که این مخصوص کافران باشد، چون خود خداوند در مواضع دیگر مؤمنین را از آتش ترسانده است، مثل این آیه «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ»^۱ این تخویف است، دارد مؤمنین را میترساند و خطاب به مؤمنین است که مواظب خود و بستگان خود باشید چون آتشی که ما برای کفار مهیا کرده‌ایم، اگر شما هم مواظب نباشید گرفتار این آتش می‌شوید.

سوال:

استاد: اینجا ظهور در اختصاص دارد، اینجا می‌خواهد بگوید اعداد برای کافران است، ولی معنایش این نیست که مؤمن فاسق به آتش در نیاید لذا به هر حال جهنم شامل مؤمن فاسق هم می‌شود. اگر مسئله اعداد را بخواهیم در نظر بگیریم

^۱ .سوره تحریم، آیه ۶.

همان لام اختصاص است، واقعاً آتش «اعدت للكافرين»، این مهیا شده است برای کافران، ولی این منافات ندارد که آتشی که برای کافران خلق شده است، اما خداوند متعال از قِبَل آن بترساند مؤمنین را و اینکه ممکن است سرانجام شما هم به اینجا بکشند، کأن می شود یک مقصود اصلی و یک مقصود تبعی.

سوال:

استاد: اگر شما اولاً و بالذات، چیزی را برای یک مقصودی آماده و مهیا کنید، اما ثانیاً و بالعرض خودتان هم از آن استفاده کنید.... بنده می خواهم بگویم با توجه به لفظ اعداد، اعداد اختصاص دارد اما از حیث استفاده و نتیجه و اثر اختصاصی ندارد، چون می ترساند آنها را و اینها را هم از این عذاب و گرفتاری سهم می کند، بنده این اختصاصی که می گویم در واقع در مورد مسئله اعداد می گویم، می گویم: اعداد مختص به کافران است ولی این منافات ندارد چیزی که معد برای کافران است با آن غیر کافران را هم بترساند و آنان را با آن گوش مالی هم بدهند و این اشکالی ندارد.

احتمال سوم

اینکه درست است این آیه اطلاق ندارد که شامل مؤمن فاسق هم بشود ولی مقید به عدم فسق مؤمن هم نیست، تا ورود و دخول در جهنم را منحصر به کافران کنند، لذا این آیه دلالت می کند بر اینکه جهنم برای کافران است، اما منافات ندارد با این که در آیه دیگر بگوید که جهنم مربوط به مؤمن فاسق هم است، به عبارت ساده اثبات شیء نفی ما عدا نمی کند، اگر اینجا ما از اثبات اعداد آتش و نار برای کافر نتیجه می گرفتیم که پس غیر کافر در جهنم وارد نمی شود، از این اختصاص فهمیده می شود، ولی کأن ما دو دسته آیات داریم، یک دسته آیات اثبات می کند جهنم را برای کفار و طبق این معنا دیگر لام اختصاص نیست بلکه لام ارتباط است و گفتیم منظور از لام ارتباط چیست، یعنی بین فکر و عمل کافر و جهنم و عذاب او یک ارتباط برقرار است، دسته دیگری از آیات اثبات می کند جهنم را برای جماعتی دیگری، برای مؤمنین فاسق، مثل این آیه «وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ»^۱، کسی که عصیان خدا و رسول کند عذاب آتش در انتظار او می باشد، «وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» یک احتمال این است که بگوییم مطلق عصیان خدا و رسول مراد است، چه عصیان به مرحله کفر برسد و چه به مرحله کفر نرسد، احتمال دیگر اینکه اساساً این آیه ناظر به معصیت در مقام عمل است، به مؤمنین مسلمان می گوید اگر اینها هم معصیت کنند گرفتار آتش می شوند.

پس در مجموع کأن دو دسته آیه داریم، یک دسته مبین این است که جهنم برای کفار ایجاد شده است ولی این نافی اعداد و ایجاد جهنم برای غیر کفار نیست، نافی عذاب برای غیر کفار نیست.

در بین این سه احتمال، احتمال دوم سوم قابل قبول است و لذا مسئله اختصاص به کفار از این آیه استفاده نمی شود.

بحث جلسه آینده

«والحمد لله رب العالمین»

سه شبهه در اینجا وجود دارد که باید بیان کنیم و جواب بدهیم.

^۱ . سوره جن، آیه ۲۳.